

# آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «بغی»

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۰۱

تاریخ: ۱۳۹۵/۰۱/۰۹



پژوهشکده شورای نگهبان

## شناسنامه

عنوان:

**آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی  
بررسی مفهوم «بغی»**

مؤلف:

**محمد حسن باقری**

ناظر علمی:

**علی بهادری جهرمی**

**دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی**

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۰۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۱/۰۹

پژوهشکده شورای نگهبان



## فهرست مطالب

|    |                                                    |
|----|----------------------------------------------------|
| ۲  | .....مقدمه                                         |
| ۳  | .....چکیده                                         |
| ۳  | .....۱-درآمد                                       |
| ۴  | .....۲-واژه شناسی                                  |
| ۴  | .....۱-۲. در لغت                                   |
| ۴  | .....۲-۲. در اصطلاح                                |
| ۵  | .....۳- مفاهیم مشابه                               |
| ۵  | .....۱-۳. محاربه                                   |
| ۶  | .....۲-۳. افساد فی الارض                           |
| ۷  | .....۳-۳. جرم سیاسی                                |
| ۸  | .....۴- تاریخچه                                    |
| ۱۰ | .....۵- شرایط تحقق بغی                             |
| ۱۰ | .....۱-۵. مشروعیت نظام و عدالت حاکم                |
| ۱۰ | .....۲-۵. خروج مسلحانه                             |
| ۱۰ | .....۳-۵. وجود تأویل یا شبهه                       |
| ۱۱ | .....۴-۵. وجود سازمان و تشکیلات                    |
| ۱۱ | .....۵-۵. مسلمان بودن باغیان                       |
| ۱۲ | .....۶- مبانی جرم انگاری بغی                       |
| ۱۲ | .....۱-۶. مبانی فقهی جرم انگاری بغی                |
| ۱۲ | .....۱-۱-۶. لزوم استقرار امنیت در جامعه            |
| ۱۳ | .....۲-۱-۶. وجوب حفظ نظام                          |
| ۱۴ | .....۳-۱-۶. لزوم صیانت از مقام ولایت               |
| ۱۶ | .....۲-۶. مبانی حقوقی جرم انگاری بغی               |
| ۱۶ | .....۱-۲-۶. لزوم حفظ نظم عمومی                     |
| ۱۷ | .....۲-۲-۶. ضرورت اطاعت از حاکم و حفظ اقتدار حکومت |
| ۱۷ | .....۷- مجازات باغیان                              |
| ۱۸ | .....۸- «بغی» در جمهوری اسلامی ایران               |
| ۱۸ | .....۱-۸. بغی در قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی |
| ۲۰ | .....۲-۸. مفاهیم مشابه بغی در قانون مجازات اسلامی  |
| ۲۱ | .....جمع بندی                                      |
| ۲۲ | .....منابع بیشتر جهت مطالعه                        |
| ۲۳ | .....منابع                                         |

## مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنا نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی برمدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام سازی اسلامی برداشته شود.

## «بغی»

## چکیده

از جمله مسائلی که از دیرباز حکومت اسلامی با آن مواجه بوده، موضوع بغی و چگونگی مبارزه با اهل بغی است. بغی عبارت است از خروج و جبهه‌گیری گروهی از مسلمانان مقابل امام عادل و قیام براندازانه ضد او. در نوشتار حاضر سعی بر آن شده که به سؤالاتی از قبیل اینکه بغات چه کسانی هستند؟ آیا میان بغی و مفاهیم مشابهی چون جرم سیاسی و محاربه تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ و اینکه مبارزه با بغات چگونه است؟، پاسخ داده شود. براساس ادله و قرائن، مقابله با باغیان و خروج‌کنندگان بر "امام عادل" در دین اسلام، به عنوان یک ضرورت شناخته می‌شود. البته لازم است، پیش از هرگونه اقدام قهرآمیز ضد این گروه، آنان را ارشاد و راهنمایی کرد و به شبهه‌های احتمالی آنان پاسخ داد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقنن در مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ به مبحث بغی و باغیان پرداخته است.

## ۱- درآمد

یکی از جرایم سیاسی یا امنیتی، شورش علیه حکومت اسلامی در داخل نظام است که در فقه اسلامی از آن به «بغی» تعبیر می‌شود. حکومت اسلامی از همان ابتدای حیات خود، با مواردی از این جرم مواجه بوده است. مکتب اسلام که همواره دغدغه‌ی حاکمیت حق و اقتدار حکومت خود را دارد، برای دفع خطر احتمالی در درون نظام و حفظ کیان و اقتدار خود، مبارزه با خلق‌کنندگان این جرم، یعنی «بغات»، را در دستور کار خود قرار داده است. از این رو باید در این زمینه، هم به لحاظ مبنایی و علمی مطالعاتی صورت گیرد تا تمایز بغی با سایر جرایم و همچنین محدوده‌ی آزادیهای عمومی روشن شده و هم به لحاظ اجرایی و عملی، در عین حفظ حقوق شهروندی آحاد افراد جامعه، زمینه‌ای مناسب برای مجازات آن دسته از کسانی که به هدف مخدوش کردن نظام اسلامی و براندازی حکومت عدل اسلامی شورش می‌کنند فراهم آید.

در این نوشتار ابتدا به بررسی مفهوم «بغی» و مفاهیم مشابه آن، محاربه و افساد فی الارض، و ذکر تاریخچه مختصری در ارتباط با مشابه‌ترین مفهوم حقوقی آن یعنی جرم سیاسی پرداخته شده، سپس شرایط تحقق بغی و به دنبال آن مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری بغی مورد بررسی قرار گرفته است. بخش‌های بعد به مطالعه

ارتباط بغی با جرم سیاسی، مجازات باغیان و مفهوم بغی در قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی اختصاص یافته است.

## ۲- واژه شناسی

در ابتدا لازم است مفهوم بغی در لغت و اصطلاح تبیین شود:

### ۱-۲. در لغت

بغی در لغت به معنای تعدی و تجاوز، و نیز خواسته توأم با تجاوز از حد است. این معنی از بغی با هر نوع تعدی مانند ظلم، عداوت، تکبر، عدول از حق، بی‌انصافی و مانند آن صدق می‌کند (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۵۵).

همچنین «بغی» یعنی فاسد کردن، «بغی علی الناس» یعنی شخص، نسبت به مردم تعدی و ستم کرد (طریحی، ۱۴۰۸: ۲۲۴).

گرچه واژه «بغی» را افزون بر «تعدی و تجاوز»، به معنای برگشتن از حق، حسادت، کبر ورزیدن، قصد فساد نمودن، ظلم و ستم و دروغ‌گویی دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۷۵؛ طریحی، ۱۴۰۸: ۲۲۶؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۴۴۰)، به نظر می‌رسد بازگشت همه این معانی، به معنای نخست است، زیرا هریک از امور یاد شده، به نحوی تجاوز از حد است (کلاتری، ۱۳۹۰: ۹۲)<sup>(۱)</sup>.

### ۲-۲. در اصطلاح

بغی در اصطلاح فقهی، به ویژه فقه شیعه، به وضعیتی اطلاق می‌گردد که افرادی مسلح به صورت گروهی با انگیزه براندازی حکومت اسلامی، علیه امام معصوم (ع) یا حاکم عادل شورش کنند (حلی، ۱۳۱۴ هـ.ق: ۱۱۱). بغی در نزد اهل سنت نیز به معنای شورش علیه امام عادل و یا خروج از فرمان او می‌باشد که توسط گروهی از مخالفان که از قدرت لازم برخوردارند، صورت می‌گیرد (جزیری، ۱۴۰۳: ۲۱۷).<sup>(۲)</sup> بر همین اساس هر کس بر امام

۱. چنانکه یکی از واژه‌شناسان نیز می‌نویسد: "اصل البغی مجاوزة الحد" (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۱۴۳).

۲. نمونه‌هایی از تعاریف بغی که در کتب فقهی شیعه آمده است: ۱- "کل من خرج علی امام عادل و نکث بیعتة و خالفه فی احکامه فهو باغ." آنان که بر امام عادل خروج کرده و بیعتش را شکستند و در دستوراتش با او به مخالفت برخاستند، باغی هستند. (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۱۵ / ۲)

عادل خروج نماید باغی است و جمع آنها را بغات گویند (طوسی، ۱۴۱۶: ۳۱۵).

### ۳- مفاهیم مشابه

برای آشنایی بهتر با مفهوم بغی، می‌بایست برخی از مفاهیم مشابه و وجوه شباهت یا تفاوت آنها را با بغی مشخص نمود تا ابعاد آن روشن‌تر گردد.

#### ۳-۱. محاربه

یکی از مفاهیمی که در ادبیات حقوقی از لحاظ مفهومی به واژه «بغی» نزدیک است، واژه «محاربه» می‌باشد. «محاربه» مصدر باب مفاعله از ریشه «حرب» است. نقیض آن کلمه «سلم» (صلح) و جمع آن «حروب» می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۳۰۳/۱؛ ابن‌اثیر، ۱/۱۳۶۴: ۳۴۶-۳۴۵). «محاربه» در اصطلاح به معنای کشیدن سلاح یا تجهیز آن به قصد ترساندن مردم است (تجريد السلاح لاخافه الناس). این تعبیر که مطابق نظر مشهور فقهاست (عاملی، ۱۴۱۰، ۲۹۰/۹) مستفاد از آیه شریفه محاربه<sup>(۱)</sup> و تفسیر و بیان اهل بیت (ع) در روایات می‌باشد.

تعریف‌های غیرمشهور محاربه نیز عبارتند از: قطع طریق و راهزنی و سلاح کشیدن به قصد گرفتن مال مردم (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ق، ۱۹/۲ و مقدس اردبیلی، ۱۴۰۹: ۲۸۶/۱۳)، کشیدن سلاح بر مردم، به گونه‌ای که شخص اراده افساد فی الارض داشته باشد (موسوی خمینی، بی تا: ۴۹۲/۲) و یا به مبارزه با حکومت اسلامی برخاسته باشد. (مؤمن قمی، ۱۳۸۲: ۲۰-۲۱).

از تفاوت‌های میان بغی و محاربه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: محاربه ممکن



۲- من قاتل اماما عادلا فهو باغ. باغی به کسی گفته می‌شود که با امام عادل به جنگ بپردازد (طوسی الف، ۱۳۸۷ ق: ۱۵۹)

۳- من خرج علی المعصوم من الائمه علیهم السلام فهو باغ. کسی که بر امام معصوم (ع) خروج کند، باغی است. (عاملی، ۱۴۱۰ ق: ۸۳)

۱. إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (مائده/۳۳)

است به صورت فردی و یا جمعی باشد، ولی در بغی، شورش به صورت جمعی خواهد بود. هدف از شرارت در محاربه، ایجاد رعب و وحشت در میان عموم مردم است، اما در بغی، شورش علیه حاکم اسلامی بوده و به هدف براندازی حکومت وی صورت می‌گیرد. همچنین در محاربه ممکن است محارب، کافر و یا مسلمان باشد، در حالی که در بغی، شورش گران گروهی از مسلمانان می‌باشند که علیه حاکم عادل و دولت وی دست به قیام مسلحانه زده‌اند. دیگر آنکه چنانچه محارب پس از آنکه به اسارت سپاه دولت اسلامی درآید توبه کند، توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود، در حالی که اگر باغی غیر از گروه ذی فئه<sup>(۱)</sup> باشد توبه وی پذیرفته می‌شود و از اسارت آزاد می‌گردد (زحیلی، ۱۴۱۸: ۵۴۷). هرچند بعضی، قیام مسلحانه علیه حکومت را محاربه به معنای حقیقی و تنها معنای آن می‌دانند (مؤمن قمی، ۱۳۸۲: ۲۱).

### ۲-۳. افساد فی الارض

"فساد، نقیض صلاح است" (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ. ق: ۳/ ۳۳۵). راغب می‌گوید: فساد یعنی خارج شدن چیزی از حالت اعتدال و صلاح ضد فساد است (راغب، ۱۴۰۴ هـ. ق: ۳۷۹). مفسران درباره معنای اصطلاحی "افساد فی الارض" در قرآن، معانی مختلفی ذکر کرده‌اند که عبارتند از: کفر ورزیدن (طوسی، ۱۴۰۹ هـ. ق: ۱۲۱)، مردم را از راه حق و دین بازداشتن (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۳۸) و امثال آن.

بر این اساس فساد در زمین مفهومی عام و گسترده است که عبارت است از: هر فعل و عملی که باعث شود زمین از حالت اصلاح و اعتدال خود خارج شود. با ملاحظه مصادیقی که در کلام فقها برای معنای اصطلاحی فساد در زمین آورده شده است، می‌توان دریافت که افساد فی الارض به معنای عام عبارت است از: هر عملی که آثار تخریبی گسترده‌ای به وجود آورد و موجب بروز فساد گسترده گردد؛ مانند توزیع گسترده مواد مخدر یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا در سطح وسیع (مکارم

۱. گروه دارای تشکیلات و فرماندهی را گروه ذی فئه می‌گویند. در جنگ صفین دو نوع روش برخورد با اسیران از حضرت علی(ع) گزارش شده است: یکی آزادسازی یک‌جانبه اسیران و دیگری به قتل رساندن گروهی از آنان، چون ذی فئه بودند. البته برخی در علت این دوگانگی بیان کرده‌اند که ممکن است حضرت اسرا را به خاطر مصلحت آزاد کرده است، اما برخی از آنان دوباره به میدان جنگ آمده باشند و حضرت دستور کشتن آنان را صادر کرده باشند (رزمی، ۱۳۸۸: ۱۸).

شیرازی، ۱۴۲۷ ق: سؤال ۹۸۶) از طرفی با توجه به قراین موجود همچون کلام مفسران و روایات مربوط به شأن نزول آیه محاربه (مائده: ۳۳) می‌توان دریافت که در این آیه، فساد در زمین به معنای خاص آن یعنی ظلم و تجاوز به جان و مال دیگران و اخلال در امنیت عمومی مردم می‌باشد و یا به عبارت دیگر، در این آیه اطلاق افساد فی الارض با قید محاربه، مقید شده است. بنابراین مهمترین تفاوت بغی و افساد فی الارض آن است که باغیان مخالف حکومت و امام عادل بوده و قصد شورش و براندازی حکومت را دارند ولی هدف مفسد فی الارض ایجاد تخریب و فساد در هر زمینه‌ای می‌تواند باشد و اختصاص به حکومت ندارد.

### ۳-۲. جرم سیاسی

ترکیب «جرم سیاسی» مرکب از دو کلمه «جرم» و «سیاسی» است. جرم از مشتقات ج ر م می‌باشد. جرم را به معنی قطع و بریدن و جرم را به معنی گناه و خطا دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۲ / ۹۰ و ۹۱). در معنای اصطلاحی، جرم‌شناسان ناسازگاری افراد در اجتماع را عمل ضداجتماعی و جرم می‌نامند (احمدوند، ۱۳۸۷: ۲۶). اما در خصوص جرم از دیدگاه اسلام و فقه اسلامی، برخی صاحب‌نظران چنین تعریف کرده‌اند که: «جرم، انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که قانون اسلام آن را حرام دانسته و بر فعل آن، کیفری مقرر کرده است» (فیض، ۱۳۶۴: ۶۹). واژه «سیاست» به حکومت و عهده‌داری امور جامعه و مردم معنی شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۶ / ۱۰۸). هر چند حضور واژه‌های «جرم» و «سیاست» در زندگی اجتماعی بشر قدیمی است، اما عنوان مرکب «جرم سیاسی» نوظهور بوده و دارای عمر زیادی نیست، ولی می‌دانیم از دیرباز رفتارهایی از ناحیه افراد و گروه‌های ناراضی از حکومت و حاکمان با هدف و نیت اصلاح و تغییر در برابر حاکمیت مستقر وجود داشته و به اقتضای شرایط زمان، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها بین طرفین برخوردهای ایدایی و براندازانه از یک طرف و برخوردهای سرکوب‌گرانه از سوی دیگر وجود داشته است (عباسی‌فرد، ۱۳۹۱: ۱۹۳). در عصر کنونی، جرم سیاسی عبارت است از جرمی که به قصد مبارزه علیه تشکیلات و نحوه اداره‌ی حکومت صورت می‌گیرد. (علی‌آبادی، بی‌تا: ۱۰۳/۱). برخی از حقوق‌دانان بر اساس همین تعریف، بغی را جرم سیاسی دانسته‌اند البته باید توجه داشت این تعریف با تعریف فقهی بغی سه تفاوت بارز دارد؛ اولاً

در تعریف بغی، دین یکی از ارکان تحقق این جرم است. از این رو در این تعریف لازم است هم جرمی که صورت می‌گیرد علیه حاکم اسلامی بوده، و هم شورش‌گران مسلمان باشند. چراکه اگر حاکم، غیراسلامی و یا مجرمان، مرتد و یا کافر باشند در تعریف فقهی بغی نمی‌گنجد و از مصادیق آن تلقی نمی‌شود. ثانیاً برخلاف تعریف حقوقی از جرم سیاسی که ممکن است با شورش گروه یا فرد تحقق پذیرد، در تعریف فقهی، شورش گروهی لازم است و با شورش و خروج یک فرد، جرمی با عنوان بغی تحقق پیدا نمی‌کند (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۷۲). از سوی دیگر در بغی، عقیده و انگیزه سیاسی، ملازم با عملیات و رفتار قهرآمیز است ولی جرم سیاسی می‌تواند صرفاً ابراز نظرات مخالف حکومت باشد، بدون آنکه رفتارهای قهرآمیزی وجود داشته باشد (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۱۲). بنابراین باید توجه داشت که قلمرو جرم سیاسی وسیع‌تر از بغی است و اگر بغی را جرم سیاسی بدانیم، صرف نظر از لزوم تحقق آن از سوی مسلمانان در برابر حکومت اسلامی، یکی از مصادیق جرم سیاسی است، نه آنکه تمام موضوع آن باشد. (حبیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۹۳).

#### ۴- تاریخچه

به منظور بررسی تاریخچه مفهوم بغی، بررسی وضعیت مخالفین حکومتها در گذر تاریخ و واکنش دولتها به ایشان ضروری است. بر خلاف آنچه برخی ادعا کرده‌اند، که جرایم سیاسی از اولین جرایمی است که بشر آن را می‌شناسد (حومد، ۱۹۹۰: ۱۳)، به نظر می‌رسد در دورانی که فرزند آدم به صورت امت واحده زندگی می‌کرده‌اند (بقره: ۲۱۳) و قبل از اینکه حکومت ولو به معنای ساده آن پدید بیاید، جرم سیاسی موضوعیت نداشته است (پیوندی، ۱۳۸۴: ۵۲). اینکه قرآن کریم در شرح وقایع راجع به حضرت نوح(ع) سخنی از حاکم این دوران به میان نیاورده و مقابله ایشان را به تقابل با مردم زمان محدود کرده است، می‌تواند دلیلی بر صحت این ادعا باشد که تا زمانی نزدیک به حضرت ابراهیم(ع) و مقابله‌اش با فرعون زمان که حکومت‌ها پدیدار شدند، اثری از جرایمی با ماهیت سیاسی نبوده‌است (محبی، ۱۳۸۹: ۹).

در هر صورت پس از تشکیل حکومتها، از دوران باستان تا اوایل قرن نوزدهم جرم سیاسی از جرایم بزرگ محسوب شده و محاکمه آن در دادگاه ویژه‌ای انجام گردیده است. تا این زمان در اروپا، اصل مشخص بودن مجازات‌ها رعایت نشده (هاشمی،

۱۳۷۴: ۶۱۴) و حتی اموال و حیوانات نیز مورد محاکمه قرار گرفته‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶: ۷۰). در اواخر قرن نوزدهم در اروپا به علت اقدام آنارشیست‌ها، جرایم سیاسی از جرایم اجتماعی تفکیک و به دلیل وجهه امنیتی این جرایم، مقابله شدیدتری با مجرمان سیاسی انجام شد (صانعی، ۱۳۸۲: ۳۹۲). با ظهور دین مقدس اسلام، نگرشی نو در ارتباط با مخالفین حکومت ایجاد شد. سیره حضرت علی(ع) در برخورد با مخالفان سیاسی در دوران حکومتشان، الگویی کارآمد از روش اسلام در برخورد با مخالفین حکومت ارائه نمود. مخالفین حکومت در دوران حکومت امیرالمومنین(ع)، از حقوقی همچون حق حیات و کرامت انسانی، حق آزادی اندیشه و بیان، حق مساوات که خود به سه بخش مساوات در بهره‌مندی از بیت‌المال، مساوات در برابر قانون و مساوات در مراجعه به مراجع قضایی و رسیدگی عادلانه تقسیم می‌شد، برخوردار بودند. آن حضرت سخن را با سخن و شمشیر را با شمشیر پاسخ می‌دادند (غفاری، ۱۳۸۵: ۲۷).

در ایران قبل از اسلام نیز در زمان هخامنشیان جرایم سیاسی از قبیل خیانت به کشور، اقدام علیه پادشاه، فرار از مقابل دشمن و امثال آنها جزء جرایم سنگین محسوب شده و مجرم با قطع گوشها و بینی و سپس اعدام مواجه می‌شد (دانش، ۱۳۷۶: ۴۳). پس از ظهور اسلام در ایران هرچند در فرهنگ مردم تغییرات عمده‌ای انجام شد و احکام اسلامی بین عموم مردم ریشه دوانید، لکن تا زمان صفویه، ابتدا خلفای عباسی و سپس سلسله‌های پادشاهی بدون توجه به احکام جزایی اسلام، مجرمین جرایم مختلف را مجازات می‌کردند. در زمان صفویه و با روی کار آمدن حکومت شیعی، پادشاه که اعلام کرده بود ولایتش به تفویض از سوی فقهاست، قضاوت و رسیدگی به جرایم را به دست ایشان سپرده بود و صدور حکم نیز پیوند بیشتری با قواعد فقهی پیدا کرد (محبی، ۱۳۸۹: ۱۲). پس از مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی با مجرمین سیاسی برخورد شدیدتری صورت می‌گرفت. در نظر گرفتن گسترده مجازات اعدام، غیر علنی بودن دادرسی این جرایم، عدم امکان استفاده از وکلای غیر نظامی و ... از نمودهای تشدید اقدامات علیه مجرمین سیاسی قبل از پیروزی انقلاب بود (پیوندی، ۱۳۸۴: ۶۹). پس از پیروزی انقلاب اسلامی قانون‌گذار اساسی تکلیفی بر عهده قانون‌گذار عادی نهاد، و آن تعریف جرم سیاسی بر اساسی موازین اسلامی بود (اصل ۱۶۸).

## ۵- شرایط تحقق بغی

با توجه به تعاریف بغی می‌توان مواردی را به عنوان ارکان اصلی و مورد اتفاق حقوق دانان و عالمان مسلمان به عنوان شرایط تحقق بغی ذکر کرد:

### ۱-۵. مشروعیت نظام و عدالت حاکم

در حقیقت خروج بر حاکم عادل یا حکومت اسلامی مشروع، رفتاری است که با جمع شدن سایر شرایط، جرم "بغی" را شکل می‌دهد. اگر نظام موجود، نظامی نامشروع و یا حاکم جامعه، فردی ستم پیشه باشد، نه تنها جرم بغی صادق نیست که باید حرکت مردمی علیه او تقویت گردد (طوسی، ۱۴۱۶ ه.ق: ۳۳۵؛ جمیلی، ۱۹۷۹ م: ۱۵۴)<sup>(۱)</sup>.

### ۲-۵. خروج مسلحانه

اکثر صاحب نظران در تحقق بغی به موضوع خروج و مقابله با حاکم یا حکومت اسلامی با تکیه به زور و قوه اشاره کرده‌اند. خروج بر حکومت اسلامی زمانی محقق می‌شود که سازمان یا جمعیتی که قصد عزل حاکم یا براندازی حکومت را دارد، بالفعل عملیات اجرایی براندازی را شروع کرده باشد (حلی، ۱۴۱۳ ه.ق: ۵۲۲، نجفی، ۱۴۰۴: جلد ۲۱، ۳۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۳۳).

### ۳-۵. وجود تأویل یا شبهه

مقصود از تأویل این است که افرادی که علیه حکومت اسلامی قیام کرده‌اند، برای عمل خویش دلایل و توجیهاتی ذکر می‌کنند. به عبارت دیگر، برخلاف جرائم عادی (که اهداف مادی و سودجویانه انگیزه ارتکاب آنهاست)، مبنای حرکت افرادی که علیه حکومت یا حاکم مسلمان قیام کرده‌اند، دلایل و توجیهاتی از قبیل: انتخاب حاکم به طور صحیح نبوده، وظایف حکومتی خود را انجام نداده، دچار انحراف و ظلم شده یا دلایلی از این دست می‌باشد. (شیخ طوسی، ۱۳۹۳ ه.ق: ۲۶۶؛ ابوزهره، ۱۳۹۶ ه.ق: ۱۷۳). البته در میان فقهای شیعه در این امر اختلاف وجود دارد. عده‌ای مانند شیخ

۱. روزی در حضور امام علی(ع) از فرقه "حروریه" که گروهی از خوارج بودند سخن به میان آمد،

حضرت فرمود: اگر آنان علیه امام عادل

دست به شورش زدند با آنان بجنگید و اگر بر ضد حاکم ستمگر قیام کردند با آنان نجنگید، زیرا آنان

برای کار خود دلیلی دارند (حر عاملی، ۱۴۱۵: ۶۰).

طوسی، ابن حمزه و ابن ادریس معتقدند که باغیان باید اهل تأویل باشند ولی صاحب جواهر می‌گوید: من دلیلی بر این مطلب نیافتم (نجفی، ۱۴۰۴: جلد ۲۱، ۳۳۳).

#### ۴-۵. وجود سازمان و تشکیلات

هرچند برخی از فقها، جرم بغی را با شورش فرد نیز قابل تحقق می‌دانند (عاملی، ۱۴۱۰ ق: ۲/ ۴۰۷) و در تاریخ نیز به جریان ترور امام علی(ع) توسط ابن ملجم استدلال کرده‌اند، اما بسیاری از فقهای شیعه و سنی، بغی را یک جرم سازمانی، و گروهی بودن شورش را یکی از شرایط دخیل در تحقق جرم بغی می‌دانند (طوسی، ب، ۱۳۸۷ هـ ق: ۷/ ۲۶۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ ق: ۱۵۴) و علی‌الاصول نیز فرآیند قیام علیه حکومت با کار تشکیلاتی امکان‌پذیر است (وطن‌دوست، ۱۳۸۸: ۶۰).

#### ۵-۵. مسلمان بودن باغیان

اصولا جرم بغی در نظام‌های داخلی میان مسلمانان مصداق پیدا می‌کند و با ارتکاب بغی، کسانی که علیه حکومت اسلامی یا حاکم مسلمان شوریده‌اند از دین خارج نمی‌شوند<sup>(۱)</sup>. مسلمان بودن باغیان که مورد تأکید و وفاق اهل سنت است، در قرون میانه اسلام از طرف بعضی از علمای شیعه مورد تردید قرار گرفت و معتقد شدند کسانی که در مقابل امام (معصوم) قیام می‌کنند، ولو در ظاهر مسلمان هستند، لکن در واقع از اسلام خارج شده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۹۳ هـ ق: ۲۶۴). در نظرات فقهی متأخرین شیعه و معاصرین، در مسلمان بودن باغیان شبهه و تردید نشده است (علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ ق: ۵۲۲؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۵ هـ ق: ۴۷۶). اگر شورش‌گران علیه حاکم اسلامی نیز غیرمسلمان باشند، از موضوع بغی خارج بوده و در حکم کفار حربی خواهند بود و در این صورت احکام خاص محاربه در مورد آنان اجرا خواهد شد (جمیلی، ۱۹۷۹: ۱۰۰).

۱. از حضرت علی(ع) در مورد اهل نهروان (خوارج) سؤال کردند که آیا آنها کافرند؟ فرمودند: از کفر فرار کردند؛ سؤال شد آیا منافقند؟ فرمودند: منافقین ذکر خداوند نمی‌گویند مگر خیلی قلیل؛ سؤال شد پس آنها چه هستند؟ فرمودند: آنها قومی هستند که گرفتار فتنه شده و کر و کور شده‌اند، بر ما شوریدند و با ما جنگیدند، ما نیز با آنها جنگیدیم (ابن قدامه، ۷۰/۲).

## ۶- مبانی جرم انکاری بغی

### ۱-۶. مبانی فقهی جرم انکاری بغی

در ادبیات فقهی، ادله‌ی متعددی برای لزوم جرم‌انکاری بغی و مقابله با این پدیده مشاهده می‌شود که این موارد را ذیل چند بخش مطرح می‌نماییم:

#### ۱-۱-۶. لزوم استقرار امنیت در جامعه

امنیت اساسی‌ترین نیاز بشر است و تأمین آن، نخستین وظیفه حکومتهاست. یکی از آیات قرآن کریم که در این رابطه می‌توان به آن اشاره نمود، آیه ۹ سوره حجرات است که می‌فرماید: (و اگر دو گروه از مؤمنان با هم جنگیدند میان آنها را اصلاح کنید، و اگر یکی بر دیگری تجاوز نمود با آن گروه که تجاوز می‌کند بجنگید تا به فرمان خداوند بازگردد، پس اگر بازگشت میانشان به عدالت صلح برقرار نمایید، و همواره دادگری کنید، که خداوند دادگران را دوست دارد.)

هرچند برخی از فقها، مانند فاضل مقداد سیوری، استدلال به این آیه در خصوص مبارزه علیه بغات را قبول ندارند و معتقدند این آیه مربوط به دو طایفه از مسلمانان است که بی هیچ ارتباطی با حاکم اسلامی، میان آنان جنگ و درگیری رخ داده باشد و مسئولیت حاکم اسلامی در برابر آنان مانند مسئولیت یک شهروند عادی است (سیوری، بی‌تا، ج ۱: ۳۸۶). اما بسیاری از فقها برای مبارزه علیه بغات و لزوم حفظ امنیت جامعه، به آیه یاد شده استدلال کرده‌اند (حلی، ۱۴۱۴ ق: ج ۹/ ۳۹۱، محقق سبزواری، ۱۴۲۳ ق: ۱/ ۳۶۹). همچنین امام خمینی (ره)، در کلام خود که صدام را باغی دانسته و سایر کشورهای اسلامی را به مبارزه با باغی دعوت کرده، به آیه مذکور استناد فرموده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «...و مع الأسف در عین حالی که در قرآن کریم است که اگر دو طایفه از مسلمین با هم اختلاف کردند و اگر چنانچه یکی از آنها باغی و طاغی باشند، با او قتال کنید تا اینکه سر نهد به احکام خدا. بر کدام مملکت اسلامی پوشیده است این معنا که صدام به ما بغی کرده است تا اینکه همه به امر خدا با او مقاتله کنند؟» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۷۶).

به هر حال در صورت استدلال به این آیه، چند نکته وجود دارد که قابل توجه است:

۱- به حکم این آیه، آنان که مرتکب این جرم شدند، مسلمان می‌باشند (من المؤمنین).

۲- جنگ و جهاد علیه بغات امری واجب است، چرا که در آیه‌ی یاد شده دستور جنگ علیه آنان با صیغهی فعل امر آمده است (فقاتلوا...).

۳- باید تا فرونشاندن شورش و تسلیم بغات و ایجاد امنیت، جنگ علیه آنان ادامه یابد (حتی تقی‌ء الی امر الله).

۴- پس از حصول به هدف، دستور به اسارت گرفتن بازماندگان بغات و غنیمت گرفتن اموال آنان در آیه نیامده است، بلکه در این آیه، به عدل و قسط سفارش شده است (بالعدل و القسط).

نگاهی کوتاه به منابع حقوق اسلامی نیز نشان می‌دهد که از منظر دین اسلام «امنیت» نخستین شرط یک اجتماع سالم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ج ۱۲: ۵۳۹). حکومت اسلامی وظیفه دارد با تهیه امکانات لازم، امنیت جامعه را تأمین کرده و در برابر تهدیدات داخلی و خارجی، آسیب‌پذیر نباشد. بر همین اساس به افراد جامعه اسلامی، که طبیعتاً خداجو و به دنبال معنویت هستند، گوشزد شده است که: «یک شب نگرهبانی و حفظ آرامش مردم با قصد قربت از هزار شب عبادت و هزار روز روزه‌داری برتر است (محمدری شهری، بی-تا: ۱۳۴). احکام امنیتی در فقه را نباید منحصرأ در باب جهاد جستجو کرد. ایجاد نظم و آرامش از طریق برپایی امنیت در جامعه، هدفی است که در ابواب مختلف فقهی نظیر امر به معروف و نهی از منکر، غضب، حدود، قصاص و دیات، دنبال شده است (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۲۷۰).

## ۶-۱-۲. وجوب حفظ نظام

به دلیل اطلاق حق حاکمیت به خداوند متعال در تفکر شیعی، نظام سیاسی در اسلام، توحیدی است. چون اصل و پایه حفظ اسلام است و در واقع تمایزی بین اسلام و حکومت اسلامی نیست، پس حکومت اسلامی جزء جدایی‌ناپذیر اسلام است (الهام و موسوی، ۱۳۹۱: ۹۱). در زمینه اهمیت حفظ نظام اسلامی، روایاتی وجود دارند که بر لزوم مبارزه با فتنه‌گران و کسانی که از فرمان حاکم اسلامی تخطی می‌کنند، دلالت دارند که از آن میان می‌توان به دو مورد ذیل اشاره کرد:

پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای علی خداوند در مواجهه با فتنه‌ها پس از من، جهاد را بر اهل ایمان واجب نموده است، آن سان که جهاد علیه مشرکان را بر آنان در زمان من واجب کرده بود. امام علی (ع) پرسید: ای رسول خدا آن فتنه چیست که در آن فتنه

جهاد بر ما واجب است؟ فرمود: آن فتنه‌ی گروهی از مسلمانان است در حالی که بر یگانگی خداوند گواهی می‌دهند و به حقانیت من شهادت می‌دهند. امام علی(ع) پرسید: چگونه با گروهی از مسلمانان است در حالی که بر یگانگی خداوند گواهی می‌دهند و به حقانیت شما شهادت می‌دهند، جهاد کنیم؟ فرمود: از این رو که آنان چیزی در دین من پدید می‌آورند و از فرمان من جدا می‌گردند و ریختن خون خاندان مرا حلال می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق: ۶۵). حضرت علی(ع) نیز می‌فرماید: پیکار دو نوع است، پیکار با گروهی از کافران تا آنگاه که اسلام آورند، و پیکار با گروه سرکشان تا آنگاه که فرمان خدا گردن نهند (حمیری، ۱۴۱۳ ه.ق: ۱۳۲). ذکر این نکته لازم است که هرچند در قرآن و سخنان پیشوایان معصوم(ع) وجوب جهاد علیه بغات ثابت شده است، ولی باید دانست به دلیل عدم تحقق حکومت اسلامی توسط سایر ائمه، جهاد علیه بغات در عمل، صرفاً در دوران حکومت امام علی(ع) صورت گرفته است.

فقه‌ها نیز اهمیت حفظ نظام را در موارد متعددی مورد توجه قرار داده‌اند. امام خمینی (ره) در باب لزوم حفظ حکومت می‌فرماید: «از همه مسلمانان متوقع است که در حد توان از اساس اسلام و کیان اسلامی محافظت کنند. هنگامی که نظام سیاسی اسلام استقرار یافت، تضعیف نظام حرام و حفظ این هدیه الهی، از تکالیف اولیه خدای تبارک و تعالی است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۳۹۸). «پس هرگاه حفظ نظام، واجب و لازم باشد، عقل حفظ نظام را از جامعه می‌خواهد، و از طرفی حفظ و حراست آن بدون وجود دولت نیرومند امکان‌پذیر نیست. از این جهت جامعه اسلامی به حکم خرد برای نظم و انضباط و حفظ نظام باید دست به تأسیس سازمان سیاسی بزند که بتواند به تکلیف جامعه عمل کند» (سبحانی، ۱۳۸۵: ۸۶). بنابراین برای جلوگیری از هرج و مرج در اداره امور جامعه، حفظ نظام و تعیین حد و مرزهای آزادی، وضع قوانین و تأدیب متخلفان و قانون‌شکنان امری بسیار ضروری است، زیرا اگر بر هم زندگان امنیت جامعه و مفسدان از مجازات و کیفر بیم نداشته باشند، امور جامعه دچار از هم گسیختگی شده و بی‌نظمی و آشفتگی همه جا را فرا می‌گیرد (الهام و موسوی، ۱۳۹۱: ۹۸).

### ۳-۱-۶. لزوم صیانت از مقام ولایت

با تشکیل و استقرار حکومت اسلامی در زمان غیبت، سکان هدایت این حکومت به دست ولی فقیه با پشتوانه مردم مسلمان است. مبنای حفظ نظام اسلامی و صیانت از مقام

ولایت، اتکا به اصول فقه و اجرای احکام دینی بر اساس کتاب الهی و تأسی به شیوه حکومت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) است (الهام و موسوی، ۱۳۹۱: ۱۰۵). در روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) در مورد لزوم فرمانبرداری از ولی امری که به نصب الهی به این سمت منصوب شده است، از حاکم اسلامی با عنوان «نظام الاسلام» یاد شده است: «سخن کسی که خداوند او را امارت داده است، بشنوید و از او فرمان برید که همانا او نظام اسلام است» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۳: ۲۹۸ و مفید، ۱۴۱۳ ق: ۱۴). همچنین حضرت علی (ع) اهمیت «ولایت» را بر همین اساس ضرورت حفظ و بقای دین، استوار کرده است. چنین ضرورت و نیازی، از آنجا ناشی می‌شود که پیوسته عواملی برای برهم ریختن، مسخ و تحریف قوانین اسلامی در تلاش‌اند (سروش، ۱۳۸۶: ۱۵۵). یکی از مستندات جواز مبارزه با باغیان که علیه امام عادل شورش کرده‌اند، اجماع میان فقهاست. صاحب کتاب جواهر در توضیح این مطلب که مبارزه با اهل بغی امری مبرهن و اجماعی است، می‌نویسد: "هیچ اختلافی میان عموم مسلمانان، چه رسد به مؤمنین، در مورد وجوب جهاد با شورش‌گران علیه امام عادل نیست." (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۱، ۳۲۴). حتی برخی فقها که در ولایت مطلقه فقیه، مناقشه می‌کنند، بر این نکته اذعان دارند که «اگر فقیه صالح یا مأذون از جانب فقیه، تصدی امور مسلمانان را بر عهده گرفت، دیگران حق تضعیف وی را ندارند» (تبریزی، ۱۳۸۴: ۳: ۳۸ و ۳۹).

در رابطه با لزوم صیانت از مقام ولایت و مبارزه با بغات، در بین فقهای شیعه، ابوجعفر علی بن حمزه طوسی، باغیان را به چند دسته تقسیم کرده که قابل توجه است. ایشان می‌گویند: «جنگ و جهاد با باغیان، یعنی آنان که بر امام عادل خروج کرده‌اند، به سه بخش تقسیم می‌شود: ۱- واجب ۲- جایز ۳- حرام. در صورتی قتال با آنها واجب است که چهار شرط زیر جمع شده باشد:

الف- از قدرت بالایی برخوردار باشند و تنها از طریق جنگ بتوان آنها را پراکنده کرد.

ب- از سلطه امام خارج شده باشند.

ج- جدایی آنها از امام، بر اساس تأویلی باشد که به گمان خودشان، جایز و درست است، اما اگر بر اساس تأویلی نادرست و باطل باشد، حکم محارب خواهند داشت.

د- امام، آنها را به جنگ فراخوانده باشد.

در صورتی جهاد با آنان جایز است که دفاع از جان در بین باشد و مورد سوم

(حرمت) در جایی است که تحت سلطه امام باشند و از قدرت آن‌چنانی برخوردار نباشند (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ ق: ۲۰۵).

همچنین صاحب کشف الغطاء در بحث جهاد این گونه بیان می‌نماید که در زمان غیبت امام، نائب عامی از میان مجتهدین، به عنوان ولی، قیام می‌نماید که بر همگان لازم است از او تبعیت نمایند و نافرمانی در برابر او، به مانند نافرمانی امام است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ج ۴، ۲۹۰). قهراً همان‌گونه که جهاد با کسانی که علیه ائمه معصومین (ع) قیام می‌کردند، واجب بود، جهاد با آنان که در عصر غیبت علیه امام عادل دست به قیام می‌زنند نیز واجب خواهد بود (حق‌پرست، ۱۳۷۲: ۸۲). می‌توان گفت «همه فرق، جنگ با شورشیان را واجب کفایی می‌دانند و ترک آن را گناه کبیره می‌شمارند» (جزیری، ۱۴۰۳: ۶۲۸).

بنابراین صیانت از حکومت اسلامی و مقام ولایت یکی از اساسی‌ترین موضوعات فقه سیاسی است. چون با وجود حکومت اسلامی و حاکمیت ولی فقیه است که احکام اسلامی قابلیت اجرایی پیدا خواهند کرد و بدون آن، هرج و مرج و زمینه‌های فساد اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی پدید می‌آید (الهام و موسوی: ۱۳۹۱: ۱۱۵).

## ۲-۶. مبانی حقوقی جرم انکاری بغی

مقابله با مخالفین سیاسی و مجرمانی که نظم و امنیت عمومی را مختل می‌سازند از منظر ادبیات حقوقی رایج نیز دارای مبناست که به اهم این مبانی اشاره می‌نماییم.

### ۲-۶-۱. لزوم حفظ نظم عمومی

در تعیین قواعد نظم عمومی، هر کشور در چارچوب مصالح و منافع جامعه خود اقدام می‌کند و کشورها در این خصوص از آزادی عمل برخوردارند. محدودیت آزادی افراد ضرورتی اجتماعی و سیاسی است، زیرا حافظ منافع اساسی و بنیان‌های لازم هر اجتماع است و هم ضرورتی منطقی؛ زیرا مانع از آن می‌شود که اشخاص به میل خود در نظام حقوقی اخلاص کنند (فلسفی، ۱۳۷۹: ۲۸۵). به نظر می‌رسد تمام تعاریف ارایه شده در یک چیز وحدت نظر دارند و آن ارتباط نظم عمومی با منافع و مصالح عالی و بنیادی جامعه است. نباید تصور کرد که نظم عمومی دارای مفاهیم و مبانی گوناگون است، زیرا در تمام مواردی که به نظم عمومی استناد می‌شود، مقصود این است که چون اجرای قاعده‌ای با مصالح عالی دولت و منافع جامعه ملازمه دارد بر قراردادها حکومت می‌کند

(کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۶۱). در هر جامعه‌ای ارزش‌ها و مصالح عالی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند که دارای ریشه‌های مذهبی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و نظام حقوقی آن جامعه در قالب مفهوم نظم عمومی از این ارزش‌ها و مصالح عالی در برابر منافع و آزادی‌های فردی حمایت به عمل می‌آورند. بدین ترتیب اولویت منافع عمومی در برابر منافع افراد یکی از شاخصه‌های مهم جامعه محسوب می‌شود، تا جایی که در مواردی اعمال مغایر نظم عمومی جامعه مستوجب مجازات می‌گردد (حدادی، ۱۳۸۹: ۱۵۹). لذا اصل مقابله با مخالفان نظام از این منظر که نظم عمومی جامعه را مختل می‌نمایند، در تمامی جوامع امری مسلم به شمار می‌رود.

## ۶-۲-۲. ضرورت اطاعت از حاکم و حفظ اقتدار حکومت

اقتدار حکومت از اساسی‌ترین مؤلفه‌های پدیداری و پایداری آن حکومت است. نکته مهم و قابل ذکر این است که اقتدار، یک اصل اساسی در نظام آفرینش است و در عین حال، اصلی بشری و فرادینی است؛ بدین معنا که حتی رمز پایدار حکومت‌های باطل نیز در همین اصل است. یکی از عوامل اصلی در حفظ اقتدار یک حکومت، اطاعت افراد جامعه از حاکم و مقابله با مخالفان حکومت است (پسندیده، ۱۳۸۹: ۱۱۸). پایه نظم، امنیت، جریان صحیح امور و ایجاد شرایط مناسب برای تأمین حقوق و مصالح مردم، بر حاکمیت قانون و پایبندی عموم مردم و حاکمان استوار است. از مهمترین دلایل عقلی بر لزوم اطاعت از حاکم، آن است که تحقق نظم و امنیت در جامعه، برای اصلاح امور مردم و تأمین حقوق آنان، بستگی تام به «اطاعت مردم از حاکم و قوانین» دارد و سرکشی و نافرمانی در برابر حاکم و زیر پا نهادن قوانین، جامعه را دچار هرج و مرج و آسیب‌های فراوانی می‌کند (پورحسین، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

## ۷- مجازات باغیان

با مطالعه تفاسیر متعدد علمای شیعه در بیان مصادیق و ارکان بغی مشاهده می‌شود که اصولاً بحث بغی در کتاب حدود مطرح نشده، بلکه ذیل کتاب جهاد و تحت عنوان جنگ و مقاتله با باغیان مطرح گردیده است (علامه حلی، ۱۴۱۳ ه. ق: ۲۲۹؛ نجفی ۱۴۰۴ ق، جلد ۲۱: ۳۲۴). محقق در شرایع الاسلام تعزیرات را عبارت از بغی، ارتداد و ارتکاب هر فعل حرام دیگری می‌نامد (ابوزهرة ۱۳۹۶ ه. ق: ۱۴۷) از مجموع کلمات فقیهان و ملاحظه رفتار

حضرت علی(ع) با باغیان که نمونه‌های عملی این جرم در تاریخ اسلام است، استفاده می‌شود که توسل به زور برای خلع حاکم یا سقوط حکومت اسلامی، سبب تحقق جرم بغی و جواز قتل و کشتن باغیان است. ولی قبل از این مرحله صرفاً اقدامات بازدارنده و پیشگیرانه است و مجازات قتل در مورد آنان مطرح نشده است. این سنت و روشی است که حضرت علی(ع) در مقابله با اصحاب جمل و خوارج که حضرت کاملاً از اهداف و نیت آنان اطلاع داشت عملی کرد. لکن، اگر امام بداند افرادی با تهیه سلاح و تجهیزات در مکانی قصد خروج دارند، می‌تواند در راستای پیشگیری از جرم آنان ایشان را دستگیر و حبس کند تا توبه کنند (عوده، ۱۹۹۴ م: ۱۰۵ و ۶۹۸).<sup>(۱)</sup>

## ۸- «بغی» در جمهوری اسلامی ایران

بغی و مفاهیم مشابه آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد اشاره و توجه قرار گرفته و مجازات‌هایی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

### ۸-۱. بغی در قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی

واژه "بغی" در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به کار نرفته ولی در اصل ۱۶۸ قانون اساسی جرم سیاسی و مطبوعاتی مورد تصریح قرار گرفته است و تعریف جرم سیاسی را قانونگذار اساسی بر عهده قانون‌گذار عادی قرار داده است. مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور

۱. نمونه‌هایی از آراء فقها در مورد اهل بغی به شرح ذیل است:

۱- افرادی از اهل بغی که گروه پشتیبان دارند و برای پیوستن به گروه خود برای توطئه جدید فرار می‌کنند، از پای درآوردن مجروحان و تعقیب گریخته‌شان و کشتن اسیرشان جایز است اما باغیان که گروه پشتیبان ندارند و سلاح خود را رها نموده و فرار می‌کنند، تعقیب نمی‌شوند و اسیر و مجروحان کشته نمی‌گردند (طوسی، ج ۳: ۱۶۶).

۲- اسیران از اهل بغی، در صورتی که درگیری و بحران ادامه داشته باشد، و بیعت نکنند زندانی می‌شوند تا اینکه جنگ به پایان برسد (جمال‌الدین مکی عاملی: ۱۶۴). اگر کسی از اهل بغی که اسیر شده، بیعت نمود و باغیان شکست بخورند، از او پذیرفته می‌شود و آزاد می‌گردد (حلی، ج ۱: ۴۵۶).

۳- باغیان در صورت ارتکاب جرایمی مانند اتلاف اموال، جرح و قتل، همانند مجرمان غیرسیاسی مجازات می‌شوند (طوسی، ج ۳: ۱۶۷).

هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.<sup>۱</sup> در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ذکری از واژه «بغی» وجود نداشت، هرچند برخی از حقوقدانان سعی کرده‌اند، ماده (۱۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ را بغی بنامند. به موجب این ماده: «هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند، مادام که مرکزیت آن باقی است، تمام اعضاء و هواداران آن که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند، محاربند، اگر چه در شاخه‌ی نظامی شرکت نداشته باشند. تبصره - جبهه‌ی متحدی که از گروه‌ها و اشخاص مختلف تشکیل شود، در حکم یک واحد است.» (شیری، ۱۳۸۲: ۴۵).

برخی دیگر از حقوقدانان اطلاق عنوان محارب بر مواد ۱۸۶ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی<sup>(۱)</sup> مصوب ۱۳۷۰ را قابل نقد می‌دانند و معتقدند که در مواد مذکور به ترتیب سه جرم قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی، طرح‌ریزی برای براندازی حکومت اسلامی و جرم نامزد شدن برای پست حساس حکومت کودتا، جرم‌انگاری شده است. مقنن سه جرم مذکور را ذیل باب محاربه آورده و مرتکبین آنها را محارب دانسته است. این در حالی است که در هر سه جرم آنچه مورد لطمه قرار می‌گیرد، مستقیماً حکومت اسلامی و حکمرانان آن است. از پی‌گیری سوابق فقهی موضوع، آشکار می‌شود که در کتب جهاد متون فقهی مقرراتی ناظر به این جرائم تحت عنوان «بغی» یافت می‌شود و ماهیت این جرائم با ماهیت جرم محاربه کاملاً متفاوت است. لذا ایرادی که به مقنن وارد است، آنکه اقدام‌کنندگان علیه حکومت اسلامی را نمی‌بایست محارب قلمداد نماید (پورباقرانی، ۱۳۹۱: ۶۰).

با توجه به مطالب ذکر شده در بخش مجازات باغیان، به نظر می‌رسد قانون‌گذار

۱. ماده ۱۸۷: هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی مؤثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد فی الارض می‌باشند.

ماده ۱۸۸: هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پستهای حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا بنحوی مؤثر باشد، «محارب» و «مفسد فی الارض» است.

عادی با در نظر گرفتن آیات و روایات مربوطه و نظر فقها به ویژه علمای شیعه در خصوص مجازات باغیان به جمع‌بندی صحیحی دست یافته و در مواد ذیل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به آن پرداخته است.

مطابق ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی: گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند. همچنین مطابق ماده ۲۸۸: هرگاه اعضای گروه باغی، قبل از درگیری و استفاده از سلاح، دستگیر شوند، چنانچه سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد به حبس تعزیری درجه سه و در صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شوند.

## ۲-۸. مفاهیم مشابه بغی در قانون مجازات اسلامی

در مورد وضعیت حقوقی مفاهیم «محاربه» و «افساد فی الارض» در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران که با جرم بغی شباهتهایی دارند نیز باید بیان داشت در مورد جرم محاربه، در «قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۷۱)، در مواد متعددی محارب یا در حکم محارب مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به مواد ۸، ۹، ۱۱ (محارب) و مواد ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰ و ... (در حکم محارب) اشاره نمود. همچنین در قوانین متفرقه دیگر جزایی مانند «قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان» (۱۳۶۷)، نیز مواردی مشمول عنوان محاربه قرار گرفته‌اند.

در مورد جرم افساد فی الارض در ماده (۵۰) «قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۷۱)، آمده است که شخص نظامی اگر با سلاح گرم یا وسیله موتوری یا هواپیما یا کشتی فرار کند که موجب ضربه مؤثر به وضعیت نیروهای مسلح باشد آن شخص مفسد فی الارض شناخته شده است. در ماده (۶) «قانون مبارزه با مواد مخدر» (مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت) نظام نگهداری یا اختفاء یا حمل تریاک، بنگ، چرس، شیر، سوخته تریاک یا دارو یا صادر کردن یا تولید یا توزیع یا خرید و فروش یا در معرض فروش قرار دادن کمتر از پنج کیلو گرم در صورت تکرار جرم و رسیدن مجموع مواد به بیش از پنج کیلو گرم، در حکم مفسد فی الارض است و مجازات چنین شخصی اعدام خواهد بود. همچنین در ماده (۴) «قانون تشدید مجازات

مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری» مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح شده است که تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری اگر مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات اعدام خواهد داشت. در قوانین مختلف دیگری نظیر «قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور (۱۳۶۹)»، «قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول (۱۳۶۸)» و ... مجازات‌هایی برای مجرمان به عنوان مفسد فی الارض در نظر گرفته شده و از این باب مجازات خواهند شد.

### جمع‌بندی

فلسفه وجودی حکومت و جامعه سیاسی، فراهم‌سازی محیطی امن برای اتباع و شهروندان است. از نظر سیاست کیفری اسلام، امنیت و آسایش عمومی شهروندان موضوع بسیار با اهمیتی است که نقض آن به عنوان جنگ با خدا و رسول (ص) قابل مجازات است. همچنین به دلیل لزوم صیانت از مقام ولایت و وجوب حفظ نظام، مقابله با مخالفان و شورش‌گران امری اجتناب‌ناپذیر است. خشونت سیاسی و توسل به زور برای تغییر رویه‌های حکومتی یا تغییر حاکم مشروع و عادل، به عنوان جرم "بغی" تلقی و سازوکار ویژه‌ای برای تعامل با آن پیش‌بینی شده است. از نصوص شرعی و سیره حضرت علی (ع) استفاده می‌شود که در اسلام جرم سیاسی "بغی" وجود دارد و پاسخ به مخالفان سیاسی بعد از مدارا و سازش با آنها و اجابت مطالبات مشروع ایشان، پاسخی در حد دفاع از موجودیت حکومت است و اگر در جایی مجازات قتل و اعدام برای بغات مطرح شده، به مجازات پس از اقدام مسلحانه از سوی آنها می‌باشد. عمده فقهای عامه، عصمت کسی که علیه او بغی صورت گرفته را شرط نمی‌دانند، بنابراین اگر برای نمونه شورشی علیه جمهوری اسلامی که طبق قانون اساسی از شرایط رهبری آن عدالت است صورت بگیرد، شورش مصداق «بغی» بوده و باغی به امر خدا با قدرت سلاح بازگردانده می‌شود. در مورد ارتباط بغی با جرم سیاسی، باید توجه داشت که قلمرو جرم سیاسی وسیع‌تر از بغی است و اگر بغی را جرم سیاسی بدانیم، یکی از مصادیق جرم سیاسی است، نه آنکه تمام موضوع آن باشد. در جمهوری اسلامی ایران، قانون‌گذار عادی در مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مبحث بغی و باغیان پرداخته است.

## منابع بیشتر جهت مطالعه

۱. پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۷۵)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان.
۲. حسینی، سید محمد (۱۳۸۳)، سیاست جنایی (در اسلام و جمهوری اسلامی ایران)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. حکیم، سید محمد باقر (۱۳۸۰)، «جرائم علیه امنیت (محاربه)»، فقه اهل بیت، شماره ۲۶.
۴. زراعت، عباس (۱۳۷۷)، جرم سیاسی، تهران، انتشارات ققنوس.
۵. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۰)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان.
۶. نوروزیان، رضا (۱۳۸۷)، جریان‌ات سیاسی در دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع)، قم، انتشارات زمزم هدایت.
۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۷)، «محارب کیست، محاربه چیست؟»، فقه اهل بیت (ع)، سال چهارم، شماره ۱۳.
۸. یزدی، محمد (۱۳۷۴ ق)، فقه القرآن، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول، جلد اول.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. آقابابایی، حسین (۱۳۸۶)، پاسخ به تروریسم و خشونت در سیاست کیفری اسلام، مقالات و بررسیها، دفتر ۸۵.
۳. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۴)، النهاية فی غریب الحديث، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۶. ابن قدامه، عبدالله ابن احمد، المغنی، بیروت، دارالکتاب العربی، بی تا، ج ۶ و ۱۰.
۷. ابوزهره، محمد (۱۳۹۶ ه.ق)، الوحده الاسلامیه، قاهره: دارالفکر العربی.
۸. احمدوند، محسن، جرایم امنیتی در فقه، نشر دفتر گسترش تولید علم، ۱۳۸۷.
۹. اسماعیلی، محسن، «امنیت و شریعت (نظم عمومی در قواعد و احکام فقهی)»، کتاب نقد، شماره ۱۴ و ۱۵، ۱۳۷۹.
۱۰. الهام، غلامحسین و سیدیحیی موسوی، «وجوب حفظ نظام اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، نشریه مجلس و راهبرد، شماره ۶۹، ۱۳۹۱.
۱۱. پوربافرانی، حسن، «تحلیل جرم محاربه»، نشریه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴، ۱۳۹۱.
۱۲. پورحسین، احسان، «مبانی اطاعت از حاکم در اندیشه سیاسی شیعه»، فصلنامه علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۴۲، ۱۳۸۷.
۱۳. پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۴)، جرم سیاسی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. تبریزی، جواد، ارشاد الطالب الی التعليق علی المکاسب، دارالصدیقه الشهدی، ۱۳۸۴.
۱۵. جزیری، عبدالرحمن (۱۴۰۳ ه.ق)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: دارالفکر.
۱۶. جمیلی، خالد رشید (۱۹۷۹ م)، احکام البغاه و المحاربین فی الشریعه و القانون، بغداد، دارالحریه.

۱۷. حبیب زاده، محمدجعفر، محاربه در حقوق کیفری ایران (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی و عناوین مشابه در حقوق کامن لا)، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
۱۸. حدادی، مهدی، «مقایسه مفهوم و کارکرد نظم عمومی در نظام حقوق بین الملل با نظام‌های حقوق ملی»، مجله حقوق خصوصی، شماره شانزدهم، ۱۳۸۹.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. حق پرست، شعبان، «باغیان و چگونگی برخورد حکومت اسلامی با آنان»، فصلنامه مصباح، شماره ۵، ۱۳۷۲.
۲۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۱۴ ه.ق)، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، بی‌جا.
۲۲. حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ ق.
۲۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ه.ق)، قواعد الاحکام، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۴. حمیری، ابوالعباس عبد الله (۱۴۱۳) قرب الاسناد، قم، آل بیت، چاپ اول.
۲۵. حومد، عبدالوهاب (۱۹۹۰ م.)، المفصل فی شرح قانون العقوبات، دمشق: المطبعة الجدیده.
۲۶. دانش، تاج‌زمان (۱۳۷۶)، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (بی تا)، المفردات فی غریب القرآن بیروت، دارالمعرفه.
۲۸. زحیلی، وهبه (۱۴۱۸)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، المطبعة العلمیه، چاپ چهارم، ج ۷.
۲۹. سبحانی، جعفر، حکومت اسلامی در چشم انداز ما، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۵.
۳۰. سروش، محمد، دین و دولت در اندیشه اسلامی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۶.
۳۱. سیوری، مقداد بن عبد الله، کنز العرفان فی فقه القرآن، بی‌جا، بی‌تا.
۳۲. شیرازی، عباس (۱۳۸۲)، جزوه درس جزای اختصاصی ۳، دانشگاه تهران.
۳۳. صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، طرح نو.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

۳۵. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۰۸ ه.ق)، **مجمع البحرين**، چاپ دوم، نشرالثقافه الاسلامیه.
۳۶. طوسی، ابن حمزه، **الوسيله الى نيل الفضيله**، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی(ره)، ۱۴۰۸ ق.
۳۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۹۳ ه.ق)، **التبيان في تفسير القرآن**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۶ ه.ق)، **الخلاف**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۳۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، **الف، الجمل و العقود في العبادات**، مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۷ ق.
۴۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، **ب، المبسوط في فقه الاماميه**، المكتبة المرتضويه لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.
۴۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴ ه.ق)، **الأمالی**، قم، انتشارات دار الثقافه، چاپ اول.
۴۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، **ب، المبسوط في فقه الاماميه**، المكتبة المرتضويه لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۹۳ ق، جلد ۶ و ۷.
۴۳. عاملی (شهید ثانی)، **زين الدين بن علي، الروضه البهيہ في شرح اللمعه الدمشقيه (المحشى كلانتر)**، قم: کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ ق.
۴۴. عباسی فرد، محمدرضا، «جرم سیاسی در فقه اسلامی: واکاوی اصل ۱۶۸ قانون اساسی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۵، ۱۳۹۱.
۴۵. علم الهدی، شریف مرتضی (۱۴۱۵ ه.ق)، **انتصار**، نشر اسلامی.
۴۶. علی آبادی، عبدالحسین، **حقوق جنایی**، چاپخانه بانک ملی، بی تا.
۴۷. عوده، عبدالقادر (۱۹۹۴ م)، «تشریع الجنایی»، بیروت: مؤسسه رسالت.
۴۸. غفاری، هدی (۱۳۸۵)، «حقوق مخالفان سیاسی در حکومت امام علی(ع)»، فقه و حقوق خانواده، شماره ۴۱ و ۴۲.
۴۹. فیروزآبادی، مجدالدین (۱۴۱۲ ق)، **القاموس المحيط**، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۵۰. فلسفی، هدایت الله، **حقوق بین الملل معاهدات**، فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۹.

۵۱. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴
۵۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
۵۳. کاشف الغطاء نجفی، جعفر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الفراء، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ ق.
۵۴. کلانتری، علی اکبر (۱۳۹۰)، «واکاوی مفهوم "بغی" و "باغی" و مصداق شناسی "خروج بر امام عادل" و چگونگی رفتار نظام اسلامی با باغیان»، فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال ۷، شماره ۲۵.
۵۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۵۶. محبی، جلیل (۱۳۸۹)، «بایسته‌های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، معارف اسلامی و حقوق، سال یازدهم، شماره اول.
۵۷. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد، کفایه الاحکام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۳ ق.
۵۸. محمدی ری شهری، محمد (بی تا)، میزان الحکمه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲.
۵۹. مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن (۱۳۷۶)، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، میزان.
۶۰. مفید، محمد بن محمد، الامالی، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۶۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۳، ۱۴۰۳ ق.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ ق.
۶۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۳)، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، چاپ هفدهم.
۶۴. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین [شهید اول]، اللعه الدمشقیه، دارالعام، بیروت، بی تا.

۶۵. موسوی خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسیله*، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا.
۶۶. موسوی خمینی، سید روح الله، *صحیفه امام*، مجموعه آثار امام خمینی (ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
۶۷. مومن قمی، محمد، «کاوشی در مجازات محارب و مفسد فی الارض»، *مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)*، پاییز ۱۳۸۲، شماره ۳۵، صفحات ۳ تا ۶۲.
۶۸. میر محمدصادقی، حسین (۱۳۸۶)، *جرائم علیه اموال و مالکیت*، میزان.
۶۹. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، دار احیاء التراث العربی، ج ۲۱، چاپ هفتم.
۷۰. وطن دوست، رضا (۱۳۸۸)، «سیاست داخلی اسلام در مبارزه با اهل بغی»، *مجله پژوهش های اجتماعی اسلامی*، شماره ۷۶، ۱۳۸۸.
۷۱. هاشمی، محمد (۱۳۷۴)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، دانشگاه شهید بهشتی.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و  
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود  
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و  
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزرگسازده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،  
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲  
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵  
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵  
info@shora-rc.ir  
www.shora-rc.ir